

تعیین حداقل دستمزدها برای سال ۷۳ و شاخص های کارگران

شهبلا دانشفر

پایان سال و طبق معمول همه ساله موعد تعیین میزان حداقل دستمزد سراسری کارگران توسط "شورای عالی کار" جمهوری اسلامی فرا رسیده است. در حالیکه کارگران خود را برای یک رویارویی و کشاکش بر سر حداقل دستمزد در سال ۷۳ آماده میکنند، بحث بر سر این مساله هم اکنون در درون رژیم بالا گرفته و اعتراضات و خواست کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها بر این بحث ها سنگینی میکند.

اما امسال کارگران در این رودرویی، در شرایط نسبتا متفاوتی نسبت به سالهای گذشته قرار دارند: سیاست اقتصادی جدید رژیم که از چندین سال قبل بر سر چگونگی اجرای آن، اینکه بصورت تدریجی به اجرا گذاشته شود، یا بصورت یک شوک فوری زود گذر و اینکه عواقب اجتماعی آن چه خواهد بود و غیره، بحث های داغی در درون رژیم جریان داشت، بالاخره از آغاز سال ۷۲ با سیاست یکسان کردن نرخ ارز بعنوان اولین گام و بصورت یک شوک ناگهانی به اجرا گذاشته شد. نابسامانی وضع اقتصادی در واقع رژیم را بر اجرای هر چه سریعتر این سیاست ناگزیر ساخته بود.

کاهش نقش دولت در اقتصاد، انتقال به اقتصاد بازار آزاد، و ادغام در بازار جهانی ارکان مهم این سیاست را تشکیل میدهند که قرار است اجرای آن اقتصاد ورشکسته رژیم را شفا بخشد. بنابراین برای اینکه تحویل کارخانه های بخش دولتی توسط بخش خصوصی مقرون بصرف باشد، برای اینکه بخش خصوصی بتواند در رقابت با بازار جهانی دوام آورد، باید هزینه تولید کاهش یابد و این یعنی بیکارسازی میلیونی کارگران، تحت عنوان "طرح تعدیل نیروی انسانی" در کارخانجات، کاهش شدید سطح دستمزدهای واقعی کارگران در نتیجه افزایش هرروزه قیمت و صدر صد شدن نرخ تورم، بالا رفتن شدت کار و افزایش ساعت کار کارگران شاغل، کاهش هزینه های تامین اجتماعی و ...

اجرای این سیاست با چنان شتابی به پیش میرود، که حتی قانون کار ضد کارگری فعلی برای رژیم اسلامی سرمایه داران بعنوان عاملی دست و پاگیر تلقی میشود. در پیشنهادات سازمان برنامه و بودجه برای برنامه پنجساله دوم تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی و تبدیل نظام روزمزدی به نظام کارمزدی مطرح گردیده بود و در واقع این فشار اعتراضات وسیع کارگران در کارخانجات بود که اجازه تصویب این طرح را به حکومت نداد و رد شد. علیرغم تهاجم وسیع و گسترده دوباره رژیم بر طبقه کارگر در سال ۷۲، قدرت اعتراض طبقه کارگر توانست تمام بحث های مربوط به تغییر در قوانین کار و تامین اجتماعی را که در واقع بازگشتی بود به کهنه ترین و ضد کارگری ترین قوانین سرمایه داری، جاروب کند و رژیم را به عقب نشینی وادار نماید.

اکنون نیز در مقطع تعیین دستمزد برای سال ۷۳ سنگینی این اعتراضات بر مخیله مدافعین و ارگانهای رژیم محسوس است. از جمله میتوان به تبلیغات جنجالی روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی و اظهارات مقامات خانه کارگر که بیانگر واهمه آنها از اعتراضات کارگری در کارخانجات مبنی بر خواست افزایش واقعی دستمزد ها در سال ۷۳

است اشاره کرد. بادبان از سران خانه کارگر جمهوری اسلامی در گفتگو با روزنامه کار و کارگر در رابطه با میزان حداقل دستمزدها در سال ۷۳ به این اشاره میکند که دستمزد کارگران در این چند ساله متناسب با تورم افزایش نیافته و فاصله دستمزدها با تورم آنقدر زیاد است که براحتی نمیتوان این فاصله را پر کرد. و یا محجوب دبیر کل خانه کارگر میگوید: "با توجه به اینکه بانک مرکزی تورم را درشش ماهه اول سال ۱۹/۶٪ اعلام کرده است، طبعاً این امر میتواند مبنایی برای تصمیم گیری باشد ولی جامعه کارگری متقاضی ۲۰۰ درصد افزایش دستمزد است." در تمام این بحث از یکسو از شورای عالی کار خواسته میشود که دستمزدها را متناسب با تورم افزایش دهد و صحبت از این میشود که نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی غیر واقعی است و از سوی دیگر با این استدلال که چون جبران عقب افتادگی ها بسرعت امکان پذیر نیست، کارفرمایان باید به منظور ایجاد انگیزه در کارگران گوشه ای از سبد هزینه زندگی کارگران را بر طبق توافق های طرفین تامین نمایند.

بطور خلاصه از یکسو جمهوری اسلامی در پی آن است که برنامه اقتصادی جدید خود را هرچه سریعتر به اجرا در آورد، که پیش شرط و در عین حال نتیجه اجرای چنین سیاستی عقب راندن طبقه کارگر به موقعیتی بسیار پایین تر از شرایط فعلی است، و از سوی دیگر کارگران خود را بطور جدی تری برای مقابله با رژیم در این زمینه آماده میکنند. این آن وضعیت نسبتاً تازه ای است که به رودررویی کارگران با جمهوری اسلامی و سرمایه داران بر سر دستمزد نیز مستقیماً تاثیر میگذارد و اهمیت آنرا از خود مسئله دستمزد که طبعاً از اهمیت ویژه ای برای کارگران برخوردار است فراتر میبرد. اینکه کارگران بتوانند خواسته های خود را به رژیم سرمایه داران در زمینه دستمزد تحمیل کنند، به معنای ایجاد مستقیم یک جا پای محکم تر در مقابله بلاواسطه آنها با کل برنامه اقتصادی جدید جمهوری اسلامی خواهد بود.

بر مبنای چه شاخص هایی میزان دستمزد سراسری کارگران باید تعیین گردد؟

قبل از اشاره به مهمترین شاخص ها در تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران، نکته مهم حدود اختیار کارگران در تعیین حقوق خود بعنوان یکطرف دعوا و مرجع تعیین دستمزد است. مرجع تعیین دستمزد باید خود کارگران باشند. اما طبق قانون کار جمهوری اسلامی کارگران از این اولیه ترین حق خود محرومند و وظیفه آن به شورای عالی کار محول گردیده است. شورایعال کار متشکل است از نمایندگان دولت، کارفرماها و افرادی تحت عنوان نمایندگان کارگر که در واقع عناصری از شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی هستند. اما در واقع امر نهاد تعیین کننده میزان دستمزد کارگران خود دولت و سیاستهای اقتصادی آنست و شورایعالی کار در اصل نهادی است که هر ساله با توجه به همه فاکتورهای داده شده از سوی دولت و سبک و سنگین کردن آنها، میزان حداقل دستمزدها را تعیین میکند و آنرا اعلام مینماید. کارگران باید در اولین قدم به نفس تعیین دستمزد توسط ارگانهای رژیم سرمایه داران اعتراض کنند و بر این حق طبیعی خود پافشاری نمایند. بعلاوه در تعیین میزان دستمزد بر این شاخص ها باید تاکید گذاشت:

۱- حداقل دستمزد کارگران باید بر پایه نیازها و وسایل معیشت یک خانواده کارگری محاسبه گردد. نیازهای خانواده کارگری بر مبنای استانداردهای عمومی جامعه تعیین میشوند. این استانداردها باید متناسب با رشد هر روزه دنیای امروز و پیشرفتهای آن تغییر کنند. با پیشرفت دنیای امروز هر فرد جامعه میتواند از بهترین امکانات زندگی، خوراک،

پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان، آموزش و غیره و غیره برخوردار باشد. تامین همه اینها خواست فوری کارگران است. در جامعه ای که تامین اجتماعی وجود دارد، مرد و زن خانواده هر دو به مشابه دو شهروند جامعه یا کار دارند و یا از بیمه بیکاری برخوردارند، به فرزندان خانواده هزینه ماهانه پرداخت میشود، خانواده کارگری از نظر مسکن، بهداشت، درمان و نیازهای رفاهی دیگر تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دارد، میتوان از تعیین دستمزد برای فرد کارگر سخن گفت. اما در فقدان این شرایط باید در تعیین میزان دستمزد تمام این هزینه ها نیز بطور کامل بحساب آورده شود.

۲_ حداقل دستمزد کارگران باید متناسب با نرخ تورم تعیین گردد. با تورم مزدهای واقعی سقوط میکند، بنابراین تعیین دستمزدها متناسب با تورم به معنی ترمیم دستمزدها متناسب با رشد تورم نیز هست.

در چند ساله اخیر افزایش دستمزد کارگران در ایران هیچگونه تناسبی با نرخ تورم نداشته است و بطور فاحش میزان دستمزدها و سطح زندگی کارگران کاهش یافته است. این وضعیت به اعتراضات وسیعی در کارخانجات دامن زده است بطوریکه ابعاد گسترده آن این بار نیز شوراهای اسلامی را به تکاپو انداخته و آنها باردیگر در تلاش برای حفظ کلیت نظام به جلوی صحنه دویده و در حالیکه کارگران را به آرامش و تولید بیشتر دعوت میکنند، جنجالی تبلیغی بر سر افزایش دستمزدها متناسب با تورم واقعی براه انداخته اند. اینکه این ارگانهای جاسوسی و پلیسی رژیم در این تکاپو چه هدفی را دنبال میکنند چندان لزومی به بحث ندارد اما نفس اعتراف آنها و بعضی از مقامات دیگر رژیم اسلامی به تفاوت فاحش افزایش دستمزد ها با نرخ تورم را باید بعنوان سندی بر محکومیت آشکار رژیم در این مبارزه مورد استفاده قرار داد. خواست افزایش دستمزد به تناسب تورم، یکی از مطالبات کارگران در تعیین حداقل دستمزدهایشان است و کارگران خواهان تعیین نرخ تورم بر مبنای آمارهای مستقل کارگری هستند.

۳_ حداقل دستمزد کارگران باید متناسب با رشد بارآوری کار و بالا رفتن استانداردهای جامعه و الگوهای مصرف آن تعیین گردد و افزایش یابد.

در جامعه سرمایه داری کارگر همواره موجود فرودست جامعه به شمار رفته است و اکثریت محروم جامعه را تشکیل داده است. این محرومیت باعث میشود که طبقات دارا و نمایندگان و سخنگویان آنها، محرومیت کارگران از بخشی از اولیه ترین امکانات موجود اجتماعی را، طبیعی و عادی اعلام کنند و یا برعکس هر خواست و توقع کارگران برای بالا رفتن استاندارد زندگی شان را زیاده روی و تن آسائی بنامند، بدون اینکه این وقاحت آشکار آنها پاسخی دندان شکن بگیرد. بالا بردن توقع و خواست کارگران و اینکه این حق بی برو برگرد کارگران است که از تمام مواهب و امکانات موجود زندگی بشری در جامعه استفاده کنند یک وظیفه مهم هر کارگر پیشرو و کمونیست است. بطور مشخص در تعیین حداقل دستمزد باید زندگی شایسته انسان در آخر قرن مبنای قرار گیرد و بر این اساس هزینه های خانواده کارگری و در نتیجه دستمزد محاسبه گردد.